

# هم‌ابتلائی، هم‌ایندی و همسانی: وجه تمایز سه اصطلاح مشابه

## Comorbidity, Co-occurrence and Consanguinity: The Distinction Between Three Similar Terms

Pouria Heidari	Atena Mansouri	آتنا منصوری	پوریا حیدری
MA in Clinical Psychology	MA in Clinical Psychology	کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی	کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی
Islamic Azad University	Islamic Azad University	دانشگاه آزاد اسلامی	دانشگاه آزاد اسلامی
South Tehran Branch	South Tehran Branch	واحد تهران جنوب	واحد تهران جنوب

در متون روان‌شناسی، ترجمه‌های متفاوتی از واژگان comorbidity و co-occurrence به چشم می‌خورد و در بسیاری مواقع، برای ترجمه این دو اصطلاح از یک واژه استفاده می‌شود؛ ترجمه‌هایی مانند «هم‌زمانی، هم‌ایندی، همبودی و هم‌ابتلائی». به‌رغم وجود تفاوت میان این دو واژه، تمایز آن‌ها در مقاله‌ها و کتاب‌های انگلیسی نیز آنقدر محسوس نیست و حتی دانشجویان، پژوهشگران و صاحب‌نظران غیرایرانی فعال در قلمرو علوم روان‌شناختی، اغلب این اصطلاح‌ها را به‌جای یکدیگر استفاده می‌کنند. معانی این دو واژه در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱

معانی واژه‌های comorbidity و co-occurrence در واژه‌نامه‌های روان‌شناسی

comorbidity	- ظهور هم‌زمان دو یا چند مشکل روانی یا جسمانی، اختلال و بیماری در یک فرد (وندن‌باس، ۲۰۱۳). - ظهور هم‌زمان بیش از یک بیماری یا اختلال در یک فرد (ماتسوموتو، ۲۰۰۹؛ وندن‌باس، ۲۰۱۵).
co-occurrence	ارتباط میان دو یا چند پدیده (اشیاء یا رویدادها) که مستعد وقوع هم‌زمان هستند؛ برای مثال رعد همراه با برق اتفاق می‌افتد یا در زبان انگلیسی حرف Q عموماً با حرف U می‌آید. این عبارت به خودی خود به یک ارتباط علی دلالت ندارد؛ برای اینکه co-occurrence دارای همبستگی نیز باشد، باید یک ارتباط نظام‌مند بین وقوع و عدم وقوع آن پدیده وجود داشته باشد (وندن‌باس، ۲۰۱۵).

در واقع، comorbidity به ظهور دو بیماری به‌صورت هم‌زمان با سبب‌شناسی نامرتب از یکدیگر اشاره دارد؛ مانند فرد مبتلا به بیماری سرخرگ کرونری<sup>۱</sup> که به گلودرد استرپتوکوکی<sup>۲</sup> نیز دچار می‌شود، درحالی‌که co-occurrence به معنی هم‌زمانی دو بیماری با علت‌های مشابه است؛ برای مثال بیمار مبتلا به دیابت که دچار نارسایی کلیوی می‌شود. از آنجا که عامل زمینه‌ساز هر دو بیماری، مشکلات عروقی است، پس co-occurrence هستند (استراکووسکی و نلسون، ۲۰۱۵).

با توجه به توضیحات فوق درباره تفاوت میان دو واژه نام‌برده، استفاده صرف از عبارت comorbidity برای نامیدن هم‌زمانی اختلال‌های روانی با یکدیگر، تمایز یا عدم تمایز در تشخیص‌های روان‌پزشکی را با ابهام روبه‌رو می‌کند. بر همین اساس و در جهت رفع این مشکل، تایپر (۲۰۱۷) هم‌زمانی اختلال‌های روانی با یکدیگر را به سه دسته طبقه‌بندی کرده است: comorbidity، consanguinity و co-occurrence.

### 1. coronary artery disease

نوعی بیماری قلبی-عروقی که در آن، به دلیل باریک شدن یا انسداد سرخرگ‌های کرونری، خون و اکسیژن کافی به عضله‌های قلب نمی‌رسد.

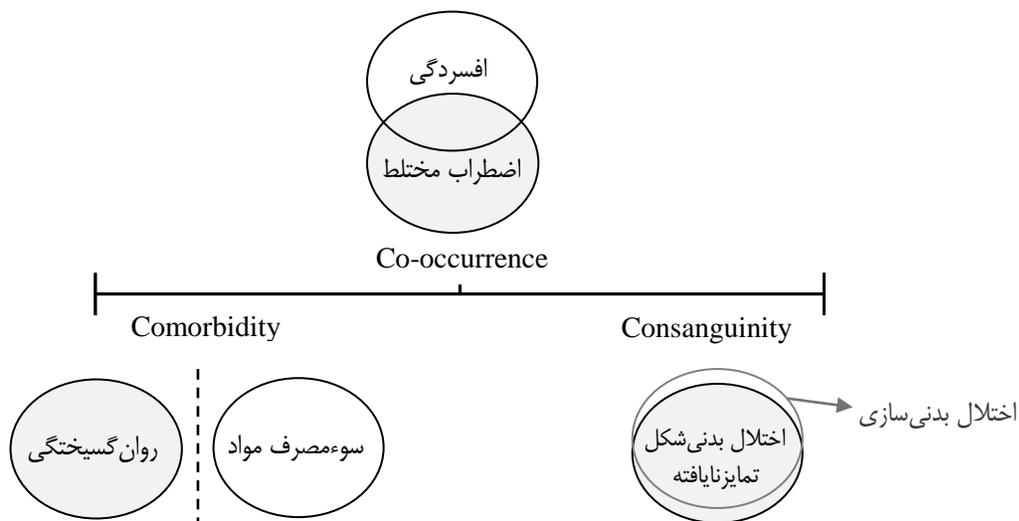
### 2. streptococcal pharyngitis

نوعی بیماری عفونی که به دلیل باکتری استرپتوکوکوس ایجاد می‌شود و با نشانه‌هایی همچون تب، گلودرد، قرمز شدن لوزه‌ها و تورم غدد لنفاوی در گلو همراه است.

در این طبقه‌بندی، comorbidity به وقوع هم‌زمان دو یا چند اختلال متمایز اشاره دارد؛ برای مثال، وقوع هم‌زمان دو اختلال روان‌گسیختگی<sup>۱</sup> و سوء‌مصرف مواد که از هم مجزا هستند اما اغلب باهم اتفاق می‌افتند.

consanguinity عبارت است از وقوع دو یا چند اختلال که اگرچه عنصری کوچک، آن‌ها را از هم متمایز می‌سازد، به دلیل شباهت بسیار با یکدیگر می‌توان آن‌ها را یک اختلال در نظر گرفت؛ برای مثال، روان‌گسیختگی ساده<sup>۲</sup> و اختلال شخصیت روان‌گسیخته‌گونه<sup>۳</sup>، اختلال بدنی‌شکل تمایز نیافته<sup>۴</sup> و اختلال بدنی‌سازی<sup>۵</sup>.

در نهایت، co-occurrence به هم‌زمانی دو یا چند اختلال اشاره دارد که نه در دسته اول قرار می‌گیرند و نه در دسته دوم. به عبارت دیگر، واژه co-occurrence موقعی به کار می‌رود که تا آن لحظه در مورد یکسان بودن یا مجزا بودن دو یا چند اختلال مورد نظر از یکدیگر، تصمیمی اتخاذ نشده است و فقط می‌توان آن‌ها را تاحدی با یکدیگر مرتبط دانست؛ برای مثال، اضطراب مختلط<sup>۶</sup> و افسردگی. برای درک بهتر آنچه گفته شد می‌توان مطابق شکل زیر، comorbidity و consanguinity را در دو انتهای یک طیف فرض کرد که حد واسط آن‌ها، co-occurrence است؛ یعنی دو یا چند اختلال مورد نظر نه آنقدر شبیه با یکدیگر هستند (consanguinity) و نه آنقدر از هم متمایزند (comorbidity).



در یک جمع‌بندی کلی، comorbidity به دو یا چند اختلال مجزا از یکدیگر اما هم‌زمان اشاره دارد؛ consanguinity به دو یا چند اختلال اشاره دارد که به دلیل ویژگی‌های مشترک فراوان، می‌توان آن‌ها را یک اختلال واحد در نظر گرفت؛ و co-occurrence به ظهور هم‌زمان دو یا چند اختلال اشاره دارد که شواهد کافی برای یکی دانستن آن‌ها از هم یا جدا کردن آن‌ها از یکدیگر وجود ندارد (تایبر، ۲۰۱۷).

بر اساس آنچه گفته شد، استفاده از معادل «هم‌ابتلایی» به معنای ابتلای هم‌زمان به دو بیماری یا اختلال برای اصطلاح comorbidity مناسب به نظر می‌رسد. برای واژه co-occurrence، معادل «هم‌ابندی» به دلیل تأکید آن بر هم‌زمانی وقوع دو یا چند پدیده انتخاب شده است. همچنین برای ترجمه اصطلاح consanguinity، واژه «همسانی» پیشنهاد می‌شود (جدول ۲). اگرچه واژه‌نامه

1. schizophrenia
2. simple schizophrenia
3. schizoid personality disorder
4. undifferentiated somatoform disorder
5. somatization disorder
6. mixed anxiety

انجمن روان‌شناسی آمریکا، *consanguinity* را رابطه زیست‌شناختی بین دو یا چند فرد که از نیای مشترک هستند تعریف می‌کند (وندن‌باس، ۲۰۱۵)، اما در تقسیم‌بندی تایپر (۲۰۱۷) صحبتی از سبب‌شناسی اختلال‌ها به میان نیامده است و *consanguinity* تنها به شباهت بسیار زیاد دو یا چند اختلال اشاره دارد که به دلیل این تشابه زیاد، می‌توان آن‌ها را یک اختلال واحد در نظر گرفت؛ بنابراین به کار بردن واژه «همسانی» برای این تعریف، مفهوم مورد نظر را داراست.

جدول ۲

ترجمه پیشنهادی برای واژگان

Comorbidity	هم‌ابتلابی
Consanguinity	همسانی
Co-occurrence	همایندی

## منابع

- Matsumoto, D. (Ed.). (2009). *The Cambridge dictionary of psychology*. Cambridge University Press.
- Strakowski, S., & Nelson, E. (2015). Illness comorbidity and co-occurrence with depressive disorders. In *Major depressive disorder* (pp. 23-29). New York: Oxford University Press.
- Tyrer, P. (2017). Comorbidity, consanguinity and co-occurrence. *BJPsych Advances*, 23(3), 167-168.
- VandenBos, G. R. (Ed.). (2013). *APA dictionary of clinical psychology*. American Psychological Association.
- VandenBos, G. R. (Ed.). (2015). *APA dictionary of psychology* (2<sup>nd</sup> ed.). American Psychological Association.